



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۰۵

عبدالقیوم میرزاده

## بر پایی اتحاد نامقدس به قصد براندازی شیرازه نظام کشور

کشور عزیز ما افغانستان این روزها در دشوارترین مراحل هست و نیست خویش قرار گرفته است. سازمان استخبارات نظامی پاکستان، مراجع سیاسی و استخباراتی ایران، سازمان استخبارات فدراتیف روسیه در تباری حلقه داخلی وابسته ایشان چون طالبان، جهادیان سابق، نوکران استخبارات ایران افراد معلوم الحال وابسته به سازمان استخبارات روسیه که تجربه کودتای سال ۱۹۹۲ کشور را نیز دارند در یک اتحاد نامقدس بر علیه نظام جمهوری اسلامی افغانستان صف بندی کرده و در پی براندازی نظام دولت جمهوری اند.

از تحلیل تبلیغات رسانه های جمعی تصویری و ارزیابی مجموعه رسانه ای آنلاين در قبال کشور ما بر می آید که ماشین تبلیغاتی دشمنان افغانستان با شدت تمام برای براندازی نظام فعال گردیده است و توفان مهیبی در راه است همه اجزا و گردانندگان این تبلیغات در یک خط واحد بر علیه منافع ملی کشور ما مصمم اند تا بر طبق اهداف تیوری وطنه تبلیغات زهر آگین ضد ملی را در میان مردم پخش و بدین وسیله این اهداف ضد ملی را به باور مردم تبدیل کنند و اخیراً دامنه این تبلیغات وسعت یافته و از طرق گوناگون مردم را برای براندازی نظام می شورانند و همچنان در پی تضعیف مورال رزمی قوای مسلح کشور اند.

استراتژیست های امریکایی در محوریت طرح های انگلیسی در جنوب و جنوب شرق آسیا و پر هزینه بودن مصارف نظامی پیشبرد اهداف و کنترل منطقه مصمم اند تا با کمک ارتش پاکستان و نیرو های تحت فرمانش یعنی طالبان، داعش و القاعده از طریق ارتقای نقش پاکستان در فعل و انفعالات منطقه در قبال طرح ها استراتژیستیک چین در جنوب آسیا امور شان را به پیش ببرند.

در نسخه امریکایی در قبال این سیاست ها آمده است که در جامعه سنتی افغانستان گروه های تروریستی بطور ریشه دار عمل میکنند، بنأ اتحاد ملت افغان بدوریک دولت ملی با اساسات دیموکراتیک محال است. در همچو شرایط امریکا مصمم است نیرو هایش را تا ماه می ۲۰۲۱ از افغانستان خارج کند که تطبیق این امر با خطوط ترسیم کرده ای امریکایی به قیمت درگرفتن یک جنگ داخلی در کشور ما تمام خواهد شد. آنها نسخه های این تیوری بی ثباتی و در دادن جنگ داخلی در کشور ما را برای متحدین منطقوی اش طوری ترسیم کرده اند که در همچو اوضاع بی ثبات و جنگ داخلی در افغانستان نه تنها خودشان بلکه سایر آزمندان منطقوی چون روسیه، ایران، جمهوری های آسیای میانه نیز میتوانند منافع شان را جستجو و دریافت کنند. در این نسخه ها پاکستان نقش ژاندارم را بازی میکند و گروه های تروریستی فعال در افغانستان چون طالب، داعش، القاعد، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، جنبش اسلامی ازبکستان و سایر تروریستان که همه در مدارس بنیاد گرایی پاکستان آموزش دیده و از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان تعلیم و تربیه تروریستی گردیده اند گرداننده گان اهداف پسا امریکا را در افغانستان و منطقه میباشند. این است دیدگاه حاکم در بخشهای کلیدی مراجع سیاستگزار امریکا که از سال ۲۰۰۹ بدینگونه تنها تمام پیشنهادات دولت افغانستان را مبنی بر تحکیم پایه های اقتصاد و اداره، همچنان تقویت نیرو های مسلح و ایجاد نیروی هوایی برای دفاع از سرحدات کشور را رد کرده بلکه در تفاهم با پاکستان طالبان را بیشتر تقویت کرده و به بهانه های فریبنده در جهت هویت بخشیدن این گروه تروریستی از طریق تأسیس دفتر دوحه اقدامات دیپلماتیک را رویدست گرفتند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

در نسخه امریکایی دولت افغانستان بی ثبات و رهبری کشور ضعیف و بدون هرنوع امکان برای مقابله با تروریسم ترسیم گردیده است. که طراحان این نسخه منجمله خلیل زاد بمنظور بی ارزش ساختن تبعات دیمو کراسی نوپای کشور و تضعیف اداره دولت در سال ۲۰۱۴ بعد از انتخابات برای انتخاب رئیس جمهور و معاونین اش عبدالله عبدالله دلقک معلوم الحال خویش را که در عین حال مهره پاکستانی نیز میباشد وظیفه دادند تا با همکاری با سایر زور گویان تنظیمی، مفسدین، غاصبین، دزدان و قاچاقبران که در این همه سال مزد بگیران اداره دولت امریکا و پاکستان بودند در برابر انتخابات و رای مردم قرار گرفته و آخر الامر به دستور باداران امریکایی اش حکومت (وحدت ملی) که در حقیقت کمر ملت را در برابر تجاوز بیگانه شکستاند و دیموکراسی را بدنام ساخت ایجاد کردند. به طریقه های مختلف پروژه دولت سازی و تحکیم پایه های دولت ملی را لرزان ساختند و در این همه سالها در برابر تمام اقدامات که در راستای منافع ملی جریان داشت موانع ایجاد کرده و فساد گسترده را در تمام ساحات اقتصادی و اداره کشور جاری نگه داشتند. همچنان با تمام ذرایع به شمول تهدید منافع ملی کشور از فساد پیشگان حمایت همه جانبه کردند.

در این نسخه امریکایی همچنان زیر نام حکومت موقت تدابیری پیشبینی شده بود که خلای قدرت را در کشور ما بمیان آورند و همانند سال ۱۹۹۶ با یک یورش طالبان را حاکم بر سرنوشت کشور ما گردانند. برای مقدمات این یورش لازم می افتید تا لشکری برای تقویت نیرو های موجود طالبان تدارک میشد که این تدارکات از زندانیان طالبان در زندانهای افغانستان تکمیل میگردد و زمینه سازی افتراقات ملی، تخدیر و تخریب اذهان عامه، تبلیغات وسیع ضد حکومتی، تضعیف مورال رزمی نیروهای مسلح کشور را به غلام بچگان داخلی پاکستان و امریکا که همه در یک صف نامقدس در زیر رهبری عبدالله عبدالله جمع شده اند سپرده شده بود.

در همچو اوضاع و احوال که یک اتحاد نامقدس مخربین و خاینین داخلی در تحت حمایت پاکستان، ایران، امریکا، روسیه برای تحقق نسخه ها و اهداف سیاست ها و استراتژی های بیگانگان شکل گرفته و هر روز سیلی از تبلیغات در جهت مخالف منافع ملی کشور غرض پر تنش ساختن هر چه بیشتر اوضاع جریان دارد یگانه مرجع که در برابر این همه دسایس و حملات سازمان یافته تهاجمات جنگجویان پاکستانی (طالب) قرار دارد اداره دولت افغانستان است که با شکیبایی تمام تلاش خویش را در جهت دفع حملات مسلحانه جنگجویان طالب، داعش و القاعده متمرکز ساخته و همزمان غرض تأمین منافع ملی کشور، حفظ تمامیت ارضی، رشد و شکوفایی اقتصادی کشور، تأمین روابط دیپلماتیک و ایجاد تفاهم مشترک منطقوی در جهت خنثی ساختن اهداف ددمنشانه خارجیان که نه تنها منافع ملی ما را زیر پا میکند بلکه اوضاع منطقه را نیز به بحران میکشاند و بیانس قوا را در منطقه برهم میزنند در نتیجه احتمالاً آشوب بزرگی منطقه را فرا خواهد گرفت اقدامات را رویدست دارد.

ناگفته نماند همه اجزای این اتحاد نامقدس در تلاش کثیرالجوانب سقوط اداره دولت یا نظام کشور را نشانی کرده اند. انکشاف این وضع نتایج کاری پروژه ایست که حدود ده سال قبل مؤسسه تحقیقات استراتژیک امریکا بنام (راند) در گزارش برای کانگرس امریکا تهیه کرده بود میباشد. باراک اوباما رئیس جمهور قبلی امریکا در سال ۲۰۰۹ سعی کرد پالیسی رادر کنگره به تصویب برساند تا نقش پاکستان را در منطقه محدود ساخته و دست پاکستان را در امور افغانستان کوتاه سازد و همچنان قطع کمکهای امریکا برای پاکستان مطمع نظرش بود و در عوض مطرح کرده بود تا کمک برای تحکیم حکومت سازی در افغانستان و تقویت قوای مسلح افغانستان اقدامات رویدست گرفته شود. که محافظه کاران کنگره با این پالیسی مخالف بودند و مؤسسه راند در این زمینه گزارشی برای کنگره تهیه کرد که برعکس پیشنهادات باراک اوباما پاکستان را منحصیث کشور محوردر الویت سیاست های امریکا در جنوب آسیا همچو گذشته مطرح کرده بود و این گزارش از جانب کانگرس امریکا تصویب شد، که اوباما هم به تأخیر بر آن صحنه گذاشت و به این ترتیب زلمی خلیل زاد هر چند در ابتدا در نقش های پشت پرده مجدداً وارد میدان بازی شد و در انتخابات سال ۲۰۱۴ افغانستان آگاهان سیاسی حتی از کاندیداتوری وی منحصیث رئیس جمهور خبر میدادند هر چند خودش این خبر ها را نه رد و نه تأیید کرد. اما با ملاقات های متعدد و تحریکات صریح عناصر خود فروخته ای که فهرست شانرا در بالا ذکر کردم توانست وضعیت سیاسی کشور را در جریان شمارش آرا بحدی متشنج سازد که با دخالت جان کری وزیر خارجه وقت امریکا دولت و حکومت غیر قانونی و ضعیف را بر کشور ما تحمیل کرد و بدین ترتیب در انظارجهانیان و کانگرس امریکا دولت افغانستان را ضعیف و سراپا آغشته در فساد معرفی کرده و به گزارش راند صحنه گذاشت.

خلیل زاد از همه امکانات استفاده کرد تا نقش محوری پاکستان رادر مسایل افغانستان استحکام بخشیده و با تمام امکانات تلاش بخرچ داد تا دولت افغانستان را تضعیف و مانور های سقوط دولت و دولت موازی را بوسیله ریزرف های پاکستان - ایران و گماشتگانش چندین بار به منصبه اجرا گذاشت. که خوشبختانه همه این مانور ها گرچه به قیمت گزاف اما دفع گردید. در آستانه انتخابات سال ۲۰۱۹ ریاست جمهوری افغانستان گزارشی دیگری را مؤسسه راند به کانگرس امریکا ارائه کرد که در آن در پیامد توافق امریکا با طالبان در غیاب دولت افغانستان مسئله حکومت موقت متشکل از غلامان حلقه بگوش پاکستان، ایران و مهره هایی امریکایی مطمع نظر بوده است. گرچه در گزارش نام افراد ذکر نگردیده است اما دید وادید هایی خلیل زاد، سفیر اسبق امریکا در کابل و رئیس قوت های

امریکا در افغانستان با افراد و حلقات معین و سفر هایی این افراد و حلقات به پاکستان و ملاقات هایی آنها با نظامیان پاکستانی در پشت در های بسته حکایت گر عمق این زد و بند های ضد افغانی میباشد.

ممکن است خلیل زاد و یا مؤسسه راند برای منافع ملی امریکا بهترین گزینه ها را مطرح کرده باشند اما به اطمینان برایتان متذکر میشوم که این گزینه ها که در این گزارش من آنرا بنام نسخه های استراتژیک نام برده ام دقیقاً در جهت مخالف منافع ملی ما قرار دارد. اگر ملت ما متحدانه در کنار دولت خویش قرار گیرد و دست غلامان سیه روی پاکستانی، ایرانی، روسی و امریکایی را از عرصه فعال سیاست کوتاه کرده به حاشیه برانند و همه حرکات خائنه و ملاقات های کودتا گونه آنها را به مراجع امنیتی گزارش کنند و منابع عایداتی فساد محور آنها را بخشکانند من یقین دارم که گزینه های فراوان بدیل وجود دارند که روابط متقابل سیاسی - اقتصادی - نظامی و فرهنگی کشور ما را با همه کشور های جهان منجمله ایالات متحده امریکا و پاکستان درچوکات منافع ملی جانبین تعریف میکند.

همه با یک صدا در برابر این حرکات کودتایی ایستاده شویم و در خنثی سازی تبلیغات زهر آگین این مار های آستین مجدانه فعال گردیم. تا توان داریم این مخربین و فساد پیشگان را به حاشیه برانیم. هر تبلیغ سوء را که بوی تفرقه و نفاق از آن متصاعد است با دلایل موجه رد کرده و مردم را از نیت سوء آنها آگاه سازیم. به همه مردم باید تفهیم گردد نقد منطقی، آگاهانه، مستند و علمی از نقایص، کمبودی ها و نارسایی ها چه به مثابه یک شهروند و چه به مثابه اپوزیسیون و یا جناح های مخالف البته در هر عرصه باتوضیح علمی درخصوص راه های برون رفت و رفع نقیصه میتواند گره گشای خوبی برای انکشاف، پیشرفت بوده و فرهنگ نقد را در جامعه نهادینه میگرداند که بسیار مفید و پذیرا است. اما به دهل و سرناهی دشمن معلوم الحال کشور رقصیدن و تبلیغات استخراج شده ای سازمانهای استخبارات پاکستان و ایران را نشخوار کردن و طرح آن در مجالس، محافل و رسانه ها نه به صیغه نقد بلکه به صیغه محو فزیکتی عناصر متشکله اداره دولت و نابودی نظام مترادف با خیانت به کشور است.